



تحلیل قلمرو خویشاوندی در حدیث منقول

از امام رضا (علیه السلام) ذیل آیه نخست سوره نساء

دریافت: ۱۴۰۱/۵/۷ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۸

کاوس روحی برندق^۱

چکیده

قرآن کریم در آیات متعدد به طور وسیع و دامنه‌دار از صله و رسیدگی به افرادی سخن گفته که خداوند برای رسیدگی به آنان دستور داده است بر نکوهش قطع صله و رسیدگی به آنان تأکید دارد. موضوع صله رحم در آیات و روایات از نظرگاه‌های گوناگون می‌تواند بررسی شود و مسئله جستار حاضر این است که گستره رحم و خویشاوندان از دید قرآن و حدیث ناظر به حدیث منقول از امام رضا (علیه السلام) در ذیل آیه نخست سوره نساء چیست و قلمرو آن چه افرادی را شامل می‌شود؟ این پژوهش به روش کتابخانه‌ای در گردآوری اطلاعات و به صورت توصیفی تحلیلی در تجزیه و تحلیل داده‌ها و با هدف اثبات توسعه در قلمرو صله رحم خویشاوندان خانوادگی، به نزدیکان و اهل بیت و رحم آل محمد (علیهم السلام)، گستره رحمت در حدیث منقول از امام رضا (علیه السلام) ذیل تفسیر آیه نخست سوره نساء را پژوهش کرده است. نتیجه پژوهش آن است که مفاد آیات قرآنی مربوط به لزوم صله به طور اطلاق و لزوم صله رحم به خصوص و نیز روایات تفسیری منقول از اهل بیت (علیهم السلام) با تأکید بر حدیث منقول از امام رضا (علیه السلام) در ذیل آیه نخست سوره نساء، افزون بر صله خویشاوندان خانوادگی، رعایت حقوق اهل بیت (علیهم السلام) را نیز شامل می‌شود و این تعمیم در مواردی از باب تفسیر و در مواردی از باب جری و تطبیق آیات قرآن است.

کلیدواژه‌ها: قلمرو خویشاوندی، صله رحم، روایات تفسیری امام رضا (علیه السلام).

۱. مسئله و روش پژوهش

قرآن کریم در آیات متعدد به طور وسیع و دامنه‌دار از صله و رسیدگی به افرادی سخن گفته که خداوند به رسیدگی به آنان دستور داده است یا نکوهش قطع صله و رسیدگی به آنان می‌کند (بقره، ۲۷؛ رعد، ۲۱ و ۲۵). افزون بر این در آیاتی به خصوص از ستایش صله رحم و رعایت حق خویشاوندان یا نکوهش قطع صله رحم سخن می‌گوید (نساء، ۱؛ انفال، ۷۵؛ احزاب، ۶؛ محمد، ۲۲) نیز احادیث فراوانی در این زمینه در جوامع روایی آمده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲؛ ۱۵۰؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۰۵؛ شعیری: ۱۰۶؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۱۶۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱: ۵۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱: ۸۷). بر اساس این آیات و روایات، مسائل مربوط به صله رحم در آیات و روایات از نظرگاه‌های گوناگون می‌تواند بررسی شود.

یکی از این مسائل این است که گستره رحم و خویشاوندان از دید قرآن و حدیث چیست و قلمرو آن چه افرادی را شامل می‌شود؟ این مقاله در صدد است گستره رحمت در قرآن و حدیث رضوی را با هدف اثبات توسعه در قلمرو رحم از خویشاوندان به آل محمد علیهم‌السلام با تاکید بر یکی از احادیث نقل شده از امام رضا علیه‌السلام و استناد به آیه نخست سوره نساء، پژوهش کند. حدیث ذکر شده به این صورت است: «إِنَّ رَحِمَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْأَيْمَةَ علیهم‌السلام لَمُعَلَّقَةً بِالْعَرْشِ، تَقُولُ: اللَّهُمَّ صَلِّ مَنْ وَصَلَنِي وَاقْطَعْ مَنْ قَطَعَنِي، ثُمَّ هِيَ جَارِيَةٌ بَعْدَهَا فِي أَرْحَامِ الْمُؤْمِنِينَ، ثُمَّ تَلَاهُ هَذِهِ الْآيَةَ: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ (نساء، ۱)» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۵۶)؛ همانا خویشاوندی آل محمد علیهم‌السلام یعنی امامان علیهم‌السلام به عرش آویخته است و می‌گوید: بار خدایا بییوندد هر که مرا بییوندد و بیر از هر که از من ببرد. این موضوع بعد از این نسبت به ارحام مؤمنان نیز جریان دارد. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید پروا نمایید؛ و زنه از خویشاوندان مَبْرید.»

از نظر روش، این پژوهش در مقام گردآوری داده‌ها، از روش کتابخانه‌ای و در استناد داده‌ها، از شیوه اسنادی و در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش توصیفی تحلیلی پیروی کرده و موضوع

توسعه در قلمرو رحم و خویشاوندان را که در این حدیث امام رضا (علیه السلام) مطرح شده است، توامان با روش تفسیر قرآن به قرآن و با استفاده از احادیث تفسیری اهل بیت (علیهم السلام) پژوهش خواهد کرد. بر این اساس، مسئله این مقاله به طور مشخص این است: حدیث منقول از امام رضا (علیه السلام) با استناد به آیه نخست سوره نساء مبنی بر توسعه مفهومی خویشاوندی و صلۀ رحم به خویشاوندی و صلۀ رحم به رحم آل محمد (علیهم السلام) را چگونه می توان با آیات و روایات دیگر اهل بیت (علیهم السلام) مستندسازی و توجیه کرد؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

از نظر پیشینه، مقالات متعددی درباره صلۀ و قطع رحم نگاشته شده است و برخی از این مقالات و شاید مهم ترین آن ها، عبارت است از: ۱. «نقش صلۀ رحم در سلامت جسمی و روحی خانواده با تمرکز بر گزاره های اسلامی»، بیت عبید و همکاران (۱۴۰۰). ۲. «بررسی فقهی صلۀ رحم و تحلیل روان شناختی کارکردهای آن در آرامش روانی و تحکیم خانواده»، هوشیاری و همکاران (۱۳۹۷). ۳. «نقش صلۀ رحم در پیشگیری از آسیب های وفاق اجتماعی از نگاه آیات و روایات»، فیروز مهر و میرعرب (۱۳۹۹). ۴. «آیات الاحکام حقوق غیرمالی خویشاوند»، چاقری (۱۳۹۵). ۵. «مبانی پرورش صلح رحم و نقش آن در سبک زندگی اسلامی»، فقیهی و همکاران (۱۳۹۲). ۶. «آثار صلۀ رحم از دیدگاه اسلام و روان شناسی و کاربردهای تربیتی آن»، غباری بناب و همکاران (۱۳۸۶). ۷. «صلۀ الأرحام فی ضوء القرآن الکریم»، محمد جار النبی (۲۰۱۶). ۸. «صلۀ الرحم المسلمة»، سمیح الخالدي (۲۰۰۳).

همان گونه که ملاحظه می شود این پژوهش ها به چند دسته تقسیم می گردد؛ صبغۀ پژوهش دوم و چهارم، فقهی است و رویکرد پژوهش اول و سوم و پنجم و ششم، اجتماعی و روان شناختی است و پژوهش هفتم اگر چه قرآنی است، به صورت موضوع محور چندین مسئله را پژوهش کرده و همین طور موضوع پژوهش هشتم بسیار فراگیر است و علاوه بر مباحث قرآنی رویکرد حدیثی را نیز دربر دارد. بنابر این، در این میان پژوهش تفسیری

متمرکز بر آیه مورد بحث تاکنون در حد اطلاع و جست و جوی نگارنده در خصوص گستره صلۀ رحم در احادیث اهل بیت (علیهم السلام) و به ویژه در زمینه قلمرو صلۀ رحم در حدیث رضوی پژوهشی سامان نبسته است.

۲. تبیین مفاهیم کلیدی

۲-۱. تبیین مفهوم صلۀ در لغت و اصطلاح

واژه صلۀ مصدر فعل «وصل» از ریشه «و ص ل» است که به جای واو اول ریشه حرف هاء در آخر واژه آمده است (عسکری: ۱۶۳) و معنای آن در لغت در دو کاربرد لازم و متعدی، عبارت است از متصل شدن یا متصل کردن، به هم پیوستن و پیوند دادن و به هم رسیدن و به هم رساندن دو چیز یا کس (جوهری، ج ۵: ۱۸۴۲؛ ابن فارس، ج ۶: ۱۱۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۴ ق: ۸۷۳؛ ابن منظور، ج ۱۱: ۷۲۶؛ فیومی، ج ۲: ۶۶۲؛ فیروز آبادی، ج ۳: ۶۳۴؛ زبیدی، ج ۱۵: ۷۷۶) و صلۀ رحم به معنای رسیدگی و پیوند و نیکی کردن به خویشاوندان است (عسکری، ۱۶۳؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۵: ۱۹۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۴۹۲)؛ بنابراین، بر خلاف پندار عمومی که صلۀ به معنای دید و بازدید است، از روایات اهل بیت (علیهم السلام) استفاده می شود که صلۀ به معنای رسیدگی و نیکی است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۴۹۲). این نیز یک مسئله عرفی است که برخی مصادیق آن را شرع مشخص کرده است (شهید اول، ۱۴۰۰ ق، ج ۲؛ حلی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ۲۸۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۸: ۳۶۳).

بر این اساس، صلۀ رحم گسترۀ وسیعی دارد و دیدار، صحبت کردن، حمایت مالی، حمایت آبرویی و ... را شامل می شود. به ویژه در برخی فرهنگ های لغت حتی به دامنه مالی آن تصریح شده است: «وَوَصَلَةٌ إِذَا أَعْطَاهُ مَالًا. وَ الصَّلَةُ: الْجَائِزَةُ وَالْعَطِيَّةُ» (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۵: ۱۹۳؛ ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۱۱: ۷۲۸؛ زبیدی، ج ۱۵: ۷۸۰؛ سعدی: ۳۸۰)؛ چنان که در احادیث شیعی از تقدیم اعانه مالی به امام (علیه السلام) برای پیشبرد اهداف دینی سخن به میان آمده و بابی در جوامع روایی به عنوان «صِلَةُ الْإِمَامِ» بدان اختصاص یافته

است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج: ۱؛ ۵۳۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج: ۲؛ ۷۲؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۹۹) که این تعبیر عبارت دیگری از پرداخت خمس به امام است که قرآن می‌فرماید: «وَأَتِ دَا الْقُرْبَى حَقَّهُ»؛ (روم، ۲۸) (به خویشاوند پیغمبر حقش را بدهید) یعنی از نظر مالی به پیغمبر و امام باید کمک شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج: ۱۶؛ ۱۸۵) و فلسفه پرداخت خمس برای این است که مخارجی که برای پیشبرد دین خدا لازم است باید از طریق اهل بیت (علیهم‌السلام) صرف شود که ثروت و هزینه آن به وسیله خمس دادن تأمین می‌شود. نیز در برخی روایات آمده است اگر پدر و مادر کسی با حالت ناراحتی از دنیا رفتند و از فرزند خود راضی نبودند، اگر پس از مردن آن‌ها فرزند نیکی و خیرات کند و ثواب آن را به روح آن‌ها بفرستد، این ثواب به آن‌ها می‌رسد. این یک نوع صلۀ رحم است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج: ۲؛ ۱۶۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج: ۱۸؛ ۳۷۲)؛ بنابراین، صلۀ رحم تنها در حیات دنیا نیست.

۲-۲. قلمرو مفهوم رحم در لغت

واژه «رحم» در لغت به دو معنای بچه‌دان و خویشاوندی آمده است (جوهری، ج: ۵؛ ۱۹۲۹). برخی اصل معنایی آن را معنای نخست و معنای دوم را استعاره از آن برشمرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴ق: ۳۴۷) و برخی برعکس معنای قرابت و خویشاوندی را اصل و معنای نخست را برگرفته از آن دانسته‌اند (ابن فارس، ج: ۲؛ ۴۹۸) و معنای اول اسم و معنای دوم مصدر یا اسم مصدر است و مراد از رحم در بحث صلۀ رحم و از جمله این پژوهش، معنای دوم است و رحم به معنای بچه‌دان نیست.

در هر حال، در اینجا مسئله این است که منظور از خویشاوندان که خداوند به صلۀ و پیوند و رسیدگی به آنان دستور و از قطع ارتباط با آنان به شدت پرهیز داده چه افرادی را شامل می‌شود و خویشاوندان چه کسانی هستند؟

اگر چه برخی قلمرو رحم را در خصوص کسانی که انسان نمی‌تواند شرعاً با آنان ازدواج کند، منحصر کرده‌اند، ولی هم رحم از لحاظ لغوی، عرفی و شرعی، اعم از خویشاوندان است (حلی، ۱۴۰۳ق: ۲۸۲؛ شهید اول، ۱۴۰۰ق، ج: ۲؛ ۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج: ۸؛ ۳۶۲) و

هم خویشاوندان اعم از خویشاوندان سببی (مثل پدر، مادر، خواهر، فرزند، دایی)، نسبی (مثل داماد، عروس و...) و رضاعی (مثل کسی که در اسلام با شرایط خاصی شیر مادر دیگری را خورده باشد) است و افزون بر این خویشاوندان سببی خود دارای طبقه‌بندی (سه طبقه) هستند و طبقه اول بر طبقه دوم و طبقه دوم بر طبقه سوم تقدم دارد و مراد از تقدم در اینجا که در آیه می‌فرماید: «أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» (انفال، ۷۵) اولویت تعیینی است، یعنی با وجود طبقه اول، نوبت ارث به طبقه دوم نمی‌رسد (شیرازی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۱۱۹)؛ بنابراین، رحم به معنای خویشاوند است و خویشاوند گستره وسیعی (نسبی، سببی و رضاعی) را در بر می‌گیرد و دارای طبقه‌بندی است.

۲-۳. یافته‌های تحقیق و بحث و تحلیل

دلایل دال بر توسعه قلمرو خویشاوندی در حدیث منقول از امام رضا (علیه السلام) که این نوشته اصالتاً برای تبیین آن به نگارش درآمده است: «إِنَّ رَحِمَ آلِ مُحَمَّدٍ، - الْأَيْمَةَ (علیه السلام) - لَمُعَلَّقَةٌ بِالْعَرْشِ، تَقُولُ: اللَّهُمَّ صَلِّ مَنْ وَصَلَنِي وَاقْطَعْ مَنْ قَطَعَنِي، ثُمَّ هِيَ جَارِيَةٌ بَعْدَهَا فِي أَرْحَامِ الْمُؤْمِنِينَ، ثُمَّ تَلَاهَذِهِ الْآيَةَ: «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ (نساء، ۱)» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۱۵۶) در دو دسته دلایل قرآنی و دلایل روایی می‌توان سامان داد:

۲-۳-۱. توسعه قلمرو مفهوم رحم در اصطلاح آیات

در آیات قرآنی که در آن‌ها سخن از صله و رسیدگی رحم یا نکوهش قطع صله است، همگی دارای اطلاق و یا عموم هستند؛ ولی این اطلاق یا عموم از نظر قراین زبان‌شناسی باید مشخص شود. پس در ادامه این آیات همراه با پرده‌برداری مختصر از هر یک متناسب با موضوع بحث طرح می‌شود:

۱. «الَّذِينَ... يَقْتَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (بقره، ۲۷)

۲. «وَالَّذِينَ يَصَلُّونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» (رعد، ۲۱)

۳. «وَالَّذِينَ... يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (همان، ۲۵)

در این سه آیه، قیدی دال بر اینکه رحم، رحم خویشاوندی است در میان نیست؛ چراکه در این سه آیه اصلا سخن از اطلاق صله است و حتی رحم به عنوان متعلق صله ذکر نشده است. لذا مفاد سه آیه نخست مبتنی بر تفسیر مفسران محقق فریقین، تنها صله رحم نیست، بلکه هر گونه صله و رسیدگی خواه به خویشاوندان و خواه به غیر خویشاوندان را شامل می‌شود. توضیح اینکه اگر از دیدگاه‌های غیر مرتبط با صله رحم، چشم‌پوشی کنیم، برخی مفسران عمدتاً به نقل از قتاده با دید تفریطی این آیات را بر تزییق دایره صله به خویشاوندان حمل و تفسیر کرده‌اند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۱۴۴؛ طوسی، ج ۱: ۱۲۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۷۰)؛ اما این دیدگاه به لحاظ ادعای بی دلیل، مورد توجه مفسران محقق قرار نگرفته است، بلکه این گروه از مفسران قلمرو صله را در آیات مورد بحث به لحاظ اطلاق صله^۱ بر هر چیزی که صله بدان تحقق می‌یابد حمل و معنا کرده‌اند. از جمله بیضاوی می‌نویسد: «يَحْتَمِلُ كُلَّ قَطِيعَةٍ لَا يَرْضَاهَا اللَّهُ تَعَالَى، كَقَطْعِ الرَّحِمِ، وَ الْإِعْرَاضِ عَنِ مَوَالِيَةِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ التَّفْرِيقَةِ بَيْنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ الْكُتُبِ فِي التَّصْدِيقِ، وَ تَرْكِ الْجَمَاعَاتِ الْمَفْرُوضَةِ، وَ سَائِرِ مَا فِيهِ رَفْضٌ خَيْرٌ. أَوْ تَعَاظِي شَرِّ فَإِنَّهُ يَقْطَعُ الْوَصْلَةَ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ الْعَبْدِ الْمَقْصُودَةَ بِالذَّاتِ مِنْ كُلِّ وَصَلٍ وَ فَصْلٍ» (بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱: ۶۵) نیز آلوسی آورده است: «الأمر الشامل لما ذكر مما يوجب قطعه قطع الوصلة بين الله تعالى وبين العبد المقصودة بالذات من كل وصل و فصل، و لعل هذا هو الأوجه لأن فيه حمل اللفظ على مدلوله من العموم و لا دليل واضح على الخصوص» (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۲۱۳).

در مقابل، برخی با گرایش افراطی مقصود از امر و در نتیجه، صله اوامر الهی در این آیات

۱. برخی مفسران با مسامحه تعبیر عموم را آورده‌اند که از نظر اصطلاحی به لحاظ اینکه لفظ از الفاظ عام در میان نیست، نادرست است و باید واژه اطلاق در اینجا آورده شود.

را اعم از اوامر تکوینی و تشریحی تلقی کرده‌اند (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ۲۴۳؛ مراغی، ج ۱: ۷۴)، ولی همان گونه که از سیاق آیات برمی‌آید و نیز با توجه به اینکه مفاد آیه ویژگی‌های مربوط به انجام دستورهای الهی است، مقصود از «مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» در این آیات، اوامر تشریحی است و شامل اوامر تکوینی وجودی خدا نمی‌شود. لذا برخی مفسران نیز با استشهاد به ذیل آیه که مسئله حساب قیامت در آن مطرح است، امر در آیه را به اوامر تشریحی معنا کرده و توسعه آن به اوامر تکوینی را نادرست تلقی کرده‌اند: «الظاهر أن المراد بالأمر هو الأمر التشريعي النازل بشهادة ذيل الآية: وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ؛ فَإِنَّ الْحِسَابَ عَلَى الْأَحْكَامِ النَّازِلَةِ فِي الشَّرِيعَةِ ظَاهِرًا» (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱: ۳۴۲)؛ بنابراین، سه آیه نخست اختصاصی به صلّه رحم ندارد، بلکه تمام افرادی را که صلّه و پیوند و رسیدگی به آنان لازم است شامل می‌گردند و طبعاً به مناسبت حکم و موضوع، باید نوع صلّه با مورد امر تناسب داشته باشد.

اکنون می‌گوییم رعایت حق امامان از اهل بیت (علیهم‌السلام) را می‌توان مهم‌ترین مورد از موارد مصادیق اوامری دانست که خداوند بدان امر کرده است؛ چنان که آیه «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده، ۳) بدان اشاره دارد. به این ترتیب از آیات نخست می‌توان لزوم صلّه امامان از اهل بیت (علیهم‌السلام) را استنباط کرد. این گونه استنباط نه از باب جری و تطبیق یا بطن و تأویل که از باب تفسیر خواهد بود. از این رو، برخی مفسران به توسعه متعلق صلّه در حق خویشاوندان رسول الله ﷺ تصریح کرده‌اند. از جمله زمخشری می‌نویسد: «مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ مِنَ الْأَرْحَامِ وَالْقَرَابَاتِ، وَيَدْخُلُ فِيهِ وَصْلُ قَرَابَةِ رَسُولِ اللَّهِ وَ قَرَابَةِ الْمُؤْمِنِينَ الثَّابِتَةِ بِسَبَبِ الْإِيمَانِ» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۵۲۵) نیز فیض کاشانی چنین می‌نگارد: «وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ مِنَ الْأَرْحَامِ وَالْقَرَابَاتِ أَنْ يَتَعَاهَدُوهُمْ وَيَقْضُوا حَقَّوْقَهُمْ وَأَفْضَلَ رَحِمٍ وَأَوْجِبَهُمْ حَقًّا رَحِمَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَانْ حَقَّهُمْ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَمَا أَنَّ حَقَّ قَرَابَاتِ الْإِنْسَانِ بِأَبِيهِ وَآمَتِهِ وَ مُحَمَّدٍ أَعْظَمَ حَقًّا مِنْ أَبِيهِ وَ كَذَلِكَ حَقَّ رَحِمِهِ أَعْظَمَ وَ قَطِيعَتُهُ أَقْطَعُ وَ أَفْضَحُ. أَقُولُ: وَ يَدْخُلُ فِي الْآيَةِ التَّفْرِيقَ بَيْنَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْكُتُبِ فِي التَّصْدِيقِ وَ تَرْكِ مَوَالَاةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ تَرْكِ

الجمعة و الجماعات المفروضة و سائر ما فيه رفض خیر أو تعاطي شرّ فأنه يقطع الوصلة بين الله و بين العبد التي هي المقصودة بالذات من كل وصل و فصل (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۱۰۵).

۴. «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ» (محمد، ۲۲)

در آیه چهارم متعلق قطع رحم، مشخصا خویشاوندان خود انسان معرفی شده اند: «أَرْحَامَكُمْ» لذا این آیه فقط از این نظر اطلاق دارد و خویشاوندان اشخاص دیگر و یا مطلق صله هر چند غیر صله رحم و حتی صله را خویشاوندان پیامبر (علیه السلام) شامل نمی شود.

۵. «وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ» (نساء، ۱)

در آیه پنجم که آیه استناد شده در حدیث مورد بحث است، واژه «الارحام» جمع محلی به «ال» و از الفاظ عموم است و صله در آن اطلاق دارد، ولی همچنان محدود به ارحام است. بنابراین، دستور خداوند در این آیه اگر چه بسیار کلی است و صله در آن اطلاق دارد، ولی با توجه به ظهور لفظی عموم «الارحام»، صله در محدوده ارحام و خویشاوندان است بلکه می توان گفت دامنه صله از این محدودتر است؛ زیرا با توجه به لحاظ ۱. قرینه سیاق و ۲. تناسب حکم و موضوع و ۳. انصراف لفظی ارحام به خویشاوندان خود انسان، مراد از آن خصوص خویشاوندان خود انسان است و خویشاوندان اشخاص دیگر و حتی صله به خویشاوندان پیامبر (علیه السلام) را شامل نمی شود.

با این حال، ممکن است گفته شود به اعتبار اینکه در آیه مورد بحث: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ» خواه واژه «الارحام» بنا بر دو وجهی که مفسران گفته اند، عطف به «اللّه» یا عطف به ضمیر «به» باشد، مفاد احتمال نخست، دستور به رعایت تقوای «الارحام» همانند رعایت تقوای الهی و مفاد احتمال دوم، سوگند یاد کردن به «الارحام» همانند سوگند به خداست و در هر دو حال، واقعا تعبیر بی نظیری در قرآن است؛ زیرا اگر چه در قرآن به رعایت تقوای الهی و التزام به دستورهایی خدا درباره «الارحام» و غیر «الارحام» فراوان به کار رفته است، ولی این مورد تنها جایی است که به رعایت تقوای

کسی در ردیف تقوای الهی دستور داده شده است؛ بنابراین، در این آیه به تفاوت رعایت تقوای الهی درباره کسی یا چیزی و رعایت تقوای کسی یا چیزی در ردیف تقوای الهی باید توجه شود. نیز بنا بر احتمال دوم، اگر «الارحام» عطف به ضمیر «به» باشد، سخن در این آیه از سوگند یاد کردن به «الارحام» در ردیف سوگند به خداست که باز تعبیر بی نظیری در قرآن است که سوگند مردم به غیر خدا را امضا می کند؛ زیرا اگر چه خداوند خود در قرآن فراوان به مخلوقات خود و غیر خود سوگند یاد کرده ولی در جایی سوگند مردم به غیر خود را امضا نکرده است. اینجاست که بنا بر هر دو احتمال در معطوف «الارحام»، می توان این دیدگاه را تقویت کرد که بنا بر یک احتمال «ال» در واژه «الارحام» نه برای افاده استغراق و عموم که اشاره به اشخاص خاص دارد؛ کسانی که دارای چنان مقامی نزد خدا هستند که چونان خدا تقوای آنان را باید رعایت کرد و همانند سوگند به خدا می توان به آنان سوگند یاد کرد و اینان بر اساس مباحث قرآنی و شواهد روایی، جز رحم آل محمد (علیهم السلام) و خویشاوندان معصوم آن حضرت نخواهند بود. البته این احتمال به لحاظ اینکه انحصار رحم آل محمد (علیهم السلام) از آیه را افاده می کند، انصافاً به جز یک نوع اشعار نبوده و در حد دلالت ظهوری نیست؛ بنابراین، این کوشش نافر جام خواهد بود. درباره جمع بین احتمال نخست و دوم در معنا و تفسیر آیه، احتمال سوم مطرح می شود و اقتضای این وجه آن است که از خصوصیات اختصاصی احتمال نخست و دوم دست بکشیم و بگوییم مقصود از «الارحام» اعم از خویشاوندان خود انسان و رحم آل محمد (علیهم السلام) و خویشاوندان معصوم آن حضرت است. اتفاقاً همین وجه مطابق با روایات تفسیری است که برخی آیه مورد بحث را به خویشاوندان خود انسان و برخی به رحم آل محمد (علیهم السلام) و خویشاوندان معصوم آن حضرت تفسیر کرده اند. این روایات در ادامه مقاله بررسی خواهد شد.

۶. «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» (انفال، ۷۵)

۷. «التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» (احزاب، ۶)

آیه ششم و هفتم، گویای تقدم برخی از خویشاوندان بر برخی دیگر به عنوان یک دستور

الهی است: «وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ. اما نکته‌ای که در آیه ۶ سوره احزاب باید مورد توجه قرار گیرد، جمله آغازین این آیه است که می‌فرماید: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ». از جمله «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» استفاده می‌شود که به لحاظ تقدم اولویت تعیینی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) حتی بر جان مومنان، رعایت حق او حتی بر رعایت جان انسان و از جمله صلّه و رسیدگی انسان به خویشاوندان خود مقدم خواهد بود. این گزاره را می‌توان حاکم بر تمامی گزاره‌های مربوط به صلّه رحم دانست؛ زیرا این گزاره در واقع از نظر زبان‌شناسی از باب حکومت، دایره «رحم» و خویشاوندان را توسعه داده و نه تنها پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در گستره و قلمرو داخل می‌کند بلکه ایشان را بر خود و خویشاوندان خود انسان مقدم می‌دارد. بر این اساس، از این آیه نه تنها لزوم صلّه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بلکه تقدم آن از خویشاوندان خود انسان استفاده می‌شود.

برایند بحث قرآن به قرآن درباره قلمرو صلّه تا اینجا این است که آیات قرآن درباره صلّه سه گونه است: ۱. برخی گزاره‌های آیات صرفاً محتوای دستور صلّه به خویشاوندان خود انسان است؛ ۲. برخی گزاره‌های آیات در بردارنده صلّه به طور مطلق است و صلّه خویشاوندان یکی از مصادیق آن است؛ ۳. برخی گزاره‌های آیات با توسعه و بلکه تقدم رحم به رسول الله (صلی الله علیه و آله)، در بردارنده لزوم بلکه تقدم صلّه رسول الله (صلی الله علیه و آله) بر صلّه خویشاوندان خود انسان است.

برای بررسی بیشتر و بسط آموزه سوم، وقتی به آیاتی که درباره حقوق محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد (علیهم السلام) است، مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم این آیات سخن از رعایت ذی‌القربی و به تعبیر دیگر ارحام و خویشاوندان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دارد که از جمله در آیه مودت آمده است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (شوری، ۲۳). توضیح اینکه این آیه ممکن است به دو صورت معنا و تفسیر شود:

الف. نزدیکان و خانواده پیغمبر (صلی الله علیه و آله) شامل فرزندان پیامبر و سادات و آل هاشم می‌شود. با این توضیح که در این جا منظور از سادات پس از زمان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است؛ زیرا فرزندان هاشم که از عبدالمطلب شروع می‌شود همه سید بوده‌اند ولی ساداتی که

هم اکنون هستند همگی از نسل پیغمبر و هاشم محسوب می شوند.

ب. مراد از قربی و خاندان و آل محمد (علیهم السلام) اصطلاح خاص است؛ یعنی آن آل مخصوص که معصوم و مطهر هستند و آیه تطهیر در شأن آن ها نازل شده است که شامل حضرت علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و ائمه (علیهم السلام) می شود. در این برداشت منظور معنای دوم است؛ بنابراین فقط شامل اهل بیت (علیهم السلام) می شود.

ولی به دلایل متعدد منظور از آن قطعاً خصوص اهل بیت (علیهم السلام) است؛ زیرا اجر رسالت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نمی تواند فقط محبت نسبت به خویشاوندان نسبی و سببی باشد. در آیه دیگر می فرماید: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» (فرقان، ۵۷) قطعاً منظور این نیست که هر چه خویشاوندان شما از جمله پدر و مادران یا خویشاوندان پیامبر و سادات گفتند اطاعت کنید و آن را راهی به سوی پروردگار قرار دهید.

از جمع این آیات استفاده می شود که منظور از قربی، ارحام و خویشاوندان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، خصوص اهل بیت (علیهم السلام) است؛ بنابراین، از نظر آیات قرآن بالاترین واجبی که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به عنوان پاداش رسالت به شمار می آورد، این است که فرد به قربی و رحم آل محمد (علیهم السلام) رسیدگی کند و حتی جان و مالش را در اختیار او بگذارد و این صله از نظر قرآن بسیار بالاتر از صله و رسیدگی به خویشاوندان نسبی و سببی است. این برداشت از قرآن نیز نه از باب جری و تطبیق یا بطن و تأویل که مقتضای جمع بین مفاد معنای ظاهری آیات و تفسیر قرآن به قرآن است.

بنابراین، از راه تفسیر قرآن به قرآن استنباط می شود مواردی که خداوند دستور رسیدگی به خویشاوندان را داده است، منظور از آن در مرتبه اول خویشاوندان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) یعنی اهل بیت (علیهم السلام) هستند، سپس نوبت به خویشاوندان سببی و نسبی می رسد؛ اما دلیل این رتبه بندی و تقدم حق اهل بیت (علیهم السلام) بر خویشاوندان سببی و نسبی افزون بر آنچه ذکر شد، این است که:

اولاً: صلۀ رحم و رسیدگی به خویشاوندان، از جمله اطاعت از پدر و مادر که از همه خویشاوندان بالاتر هستند، محدود است، همان طور که در آیه قرآن آمده است اگر پدر و مادر به شما دستور دادند، اطاعت کنید مگر اینکه دستور به شرک و کفر و فسق بدهند که نباید از آن‌ها اطاعت شود؛ اما رسیدگی به محمد و آل محمد (علیهم السلام) همیشگی است. چنان که در آیات قرآن به این مسئله تصریح شده است:

۱. «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (عنكبوت، ۸). درباره همین آیه در روایات تفسیری شیعی به نقل از امام صادق (علیه السلام) با استناد به آیه «اعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (نساء، ۳۶) آمده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) دو پدر این امت هستند: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحَدُ الْوَالِدَيْنِ وَعَلَيَّ الْآخَرُ، فَقُلْتُ: أَيْنَ مَوْضِعُ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ قَالَ: قَوْلُهُ اعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ۲۴۱؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۶۲). نیز با استناد به آیه نخست سوره نساء همین مطلب از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحَدُ الْوَالِدَيْنِ وَعَلَيَّ الْآخَرُ» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ۲۴۱). در مقابل، بر اساس ظهور آیه مورد بحث و نیز روایات و تفسیر مفسران اطاعت از پدر و مادر مقید به غیر موارد شرک و معصیت است، چنان که در روایات تفسیری شیعی به نقل از اهل بیت (علیهم السلام) آمده است (مشهدی قمی، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۲۴۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۵: ۱۲۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۶، ۲۱۷؛ فضل الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۸: ۱۹۲).

۲. «إِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (لقمان، ۱۵). درباره این آیه نیز در تفاسیر روایی شیعی والدین لازم الاطاعه را به والدینی که به فرزند علم و حکمت آموزش داده اند معرفی فرموده و والدینی را که نباید از آن‌ها اطاعت کرد، با کنایه جانشینان نابحق پیامبر برشمرده است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۴۸-۱۴۹).

ثانیاً: منظور از صلۀ رحم همیشگی و مستمر اهل بیت (علیهم السلام) علاوه بر محبت و یاری کردن، ولایت و اطاعت از اهل بیت (علیهم السلام) است. به عبارت دیگر، ولایت آنان شامل ولای دوست

داشتن، ولای نصرت و یاری کردن، و ولای سرپرستی است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۶: ۸) و اقتضای این نوع ولایت آن است که تقدم آنان بر جان و مال هر انسانی است و هر دستوری بدهند باید از آن‌ها اطاعت مطلق شود. بر خلاف پدر و مادر و دیگر خویشاوندان که قطعاً ولایت نوع سوم بر فرزند ندارند؛ بنابراین، صلۀ آل محمد علیهم‌السلام به اینجا می‌رسد که پیغمبر یا امام دستور می‌دهد شخص برای حفظ اسلام و پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام معصوم علیه‌السلام از جان خود بگذرد. همان‌طور که حضرت علی علیه‌السلام به دستور پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای حفظ جان حضرتش در جای ایشان خوابیدند. ولی دامنه صلۀ خویشاوندان نسبی و سببی، صلۀ مالی و آبرویی است و صلۀ جانی را شامل نمی‌شود، در حالی که صلۀ محمد و آل محمد علیهم‌السلام علاوه بر صلۀ مالی و آبرویی صلۀ جانی را نیز شامل می‌شود؛ بنابراین، صلۀ محمد و آل محمد علیهم‌السلام محدودیت‌بردار نیست و حق آن‌ها بر حق خانواده و خویشاوندان متقدم است و گستره صلۀ رحم در آیات قرآن نه تنها شامل صلۀ رحم آل محمد علیهم‌السلام بلکه در مرحله اول شامل آنان و در مرحله بعد شامل خویشاوندان می‌شود.

۲-۳-۲. توسعه قلمرو مفهوم رحم در اصطلاح روایات

پاره‌ای احادیث تفسیری، مراد از افرادی را که باید با آن‌ها پیوند و صلۀ داشت و رسیدگی کرد، خویشاوندان خود انسان معرفی کرده‌اند:

۱. در حدیث منقول از امیر مؤمنان علیه‌السلام در ذیل آیه نخست سوره نساء مقصود از خویشاوندان، عموم خویشاوندان انسان دانسته شده است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۱۷).

۲. نیز امیر مؤمنان علیه‌السلام با استناد به آیه نخست سوره نساء فرمود: «صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ لَوْ بِالتَّسْلِيمِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۵۵؛ شعیری: ۱۰۶) با ارحام خود بییوندید اگر چه با سلام کردن باشد.

۳. امام صادق علیه‌السلام در حدیثی درباره آیه «وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسْأَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» فرمود که منظور خویشاوندان انسان است: «هِيَ أَرْحَامُ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ

وَجَلَّ أَمْرَ بَصَلَتِهَا وَعَظَمَهَا أَلَا تَرَى أَنَّهُ جَعَلَهَا مِنْهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۱۵۰؛ عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ۲۱۷).

۴. همچنین امام صادق (علیه السلام) درباره آیه «الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» فرمود مقصود خویشاوند توست: «قَرَابَتِكَ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۱۵۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۵: ۵۰۵). با این حال، در پاره‌ای از احادیث تفسیری که تعداد آن‌ها بسیار بیشتر از احادیث گذشته است، نه تنها رحم را به رحم آل محمد (علیهم السلام) توسعه داده که آن را در مرحله پیش‌تر و مقدم‌تر از خویشاوندان ذکر کرده است:

۵. در روایت آمده است که مقصود از آیه «يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» رسیدگی مالی (پرداخت خمس) به امام است: «هو صلة الإمام» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲: ۲۰۹).

۶. در روایت دیگر آمده است که مقصود از آیه «يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» رسیدگی مالی (پرداخت خمس) در هر سال به امام است، به مقدار زیاد یا اندک: «هو صلة الإمام في كل سنة بما قل أو كثر» (همان).

۷. در روایت دیگر آمده است که مقصود از آیه «يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» پرداخت مالی واجب غیر از زکات (خمس) است: هو ما افترض الله في المال غير الزكاة» (همان. نیز ر. ک: همان: ۲۱۰).

۸. امام صادق (علیه السلام) درباره آیه «الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» فرمود: «نَزَلَتْ فِي رَحِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَقَدْ تَكُونُ فِي قَرَابَتِكَ ثُمَّ قَالَ فَلَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ يَقُولُ لِلشَّيْءِ إِنَّهُ فِي شَيْءٍ وَاحِدٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۱۵۶) راجع به رحم آل محمد (علیهم السلام) نازل شده و درباره خویشان تو هم هست، سپس فرمود: از کسانی مباش که درباره آیات قرآن بگویند فقط مربوط به یک مورد است.

۹. ابن عباس درباره آیه «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ» گفت که درباره پیامبر و خویشاوندانش نازل شده؛ زیرا هر گونه خویشاوندی و ارتباط در روز قیامت قطع می‌شود، مگر خویشاوندی و ارتباط با محمد (صلی الله علیه و آله): «نَزَلَتْ فِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ [وَأَهْلِ بَيْتِهِ]

و ذَوِي أَرْحَامِهِ وَ ذَلِكَ أَنَّ كُلَّ سَبَبٍ وَ نَسَبٍ يَنْقَطِعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ [مَا] كَانَ مِنْ سَبَبِهِ وَ نَسَبِهِ» (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۱۰۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج: ۱، ۱۷۴؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج: ۲، ۱۶۸).

۱۰. در موارد متعدد از امامان اهل بیت (علیهم السلام) این مضمون روایت شده است: «نَحْنُ قَسَمُ اللَّهِ [لِذِي] قَسَمٍ بِنَا حَيْثُ يَقُولُ [اللَّهُ تَعَالَى] اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسْأَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْنَكُمْ رَقِيبًا» (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۳۰۷، ۱۰۱-۱۰۲ و ۱۷۸). ماییم مقصود از سوگندی که خدا در آیه «وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسْأَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْنَكُمْ رَقِيبًا» یاد کرده است.

۱۱. امام باقر (علیه السلام) درباره آیه «وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسْأَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ» فرمود: مقصود نزدیکان رسول خدا و امیر مومنان (علیهم السلام) سرور آنان است، هم آنان که همگان به مودت و دوستی او دستور داده شده اند: «قَرَابَةُ الرَّسُولِ وَ سَيِّدِهِمْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أُمُرًا بِمَوَدَّتِهِمْ» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج: ۴، ۱۷۹).

روایات ۵-۷ که در ذیل آیه «يَصْلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» آمده، اگرچه در ظاهر صله مالی و پرداخت خمس به امام (علیه السلام) را به عنوان تنها مصداق صله به شمار آورده است، ولی با توجه به اطلاق آیه خواه از لحاظ نوع صله و خواه از لحاظ کسانی که باید به آنها صله کرد، چنان که در بخش تفسیر آیات گذشت، قطعاً مراد از آن ذکر یک مصداق از مصادیق صله است که معمولاً مورد غفلت قرار می گیرد. همان گونه که قبلاً گذشت این شامل صله، از باب تفسیر است و نه جری و تطبیق و یا از باب بطن و تأویل؛ مسئله ای که به صراحت در روایت ۸ به آن تصریح شده و نه تنها آیه مورد بحث صله مالی بلکه هر گونه صله به خویشاوندان و رحم آل محمد (علیهم السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) را شامل شده است؛ بنابراین، سخن پایانی امام صادق (علیه السلام) که در حدیث ۸ درباره آیه «الَّذِينَ يَصْلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» فرمود: هم درباره رحم آل محمد (علیهم السلام) نازل شده و درباره خویشان تو هم هست، سپس فرمود: از کسانی مباش که درباره آیات قرآن بگویند فقط در يك مورد است: «نَزَلَتْ فِي رَحِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ وَ قَدْ تَكُونُ فِي قَرَابَتِكَ ثُمَّ قَالَ فَلَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ يَقُولُ

لِلشَّيْءِ إِنَّهُ فِي شَيْءٍ وَاحِدٍ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۵۶) ناظر به این مسئله است که در تفسیر آیه نباید حکم را به مورد نزول تعمیم داد بلکه باید آن را به نظایر مسئله تعمیم داد (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۵: ۵۰۵) و این بر اساس قاعده «المورد لا یخص الی غیره» است که باید حکم را به نظایر مسئله در حدی که ظهور واژگان و سیاق بر می‌تابد، تعمیم داد و واژه «نَزَلَتْ» در روایت را می‌توان ناظر به این مسئله دانست که این گونه تعمیم صله و رحم، از باب تفسیر است و نه از باب جری و تطبیق یا بطن و تأویل. هر چند برخی مفسران در تبیین معنای روایت مورد بحث، با استناد به آیه لزوم مودت ذی القربی: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری، ۲۳) توسعه صله در آیه مورد بحث، به صله رحم آل محمد (علیهم السلام) را از باب بطن آیه دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱: ۳۴۹) و این سخن با توجه به آنچه درباره آیه «الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» حتی از همان مفسر بزرگوار نقل شد، منافات دارد. چنان که فرموده است: «الآیه مطلقه فالمراد به کل صله أمر الله سبحانه بها ومن أشهر مصاديقه صله الرحم التي أمر الله بها» (همان: ۳۴۳)؛ بنابراین، همچنان ترجیح با استفاده توسعه از باب تفسیر است.

اما روایات ۹-۱۱ که درباره آیه «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ» است، اگرچه باز در ظاهر صله رحم و خویشاوندان آل محمد (علیهم السلام) را به عنوان تنها مصداق صله، به شمار آورده است، ولی با توجه روایت ۱-۳ که «الْأَرْحَامَ» را به خویشاوندان خود انسان تفسیر کرده است، وجه جمع بین این دو دسته از روایات آن است که هر دو دسته از ارحام؛ یعنی خویشاوندان خود انسان رحم و خویشاوندان آل محمد (علیهم السلام) مشمول آیه مورد بحث است. در این صورت، دخول هر دو مصداق در معنا از باب تفسیر خواهد بود و مفاد جمع بین روایات با معنای سوم از آیه که در مباحث قرآنی ارائه شد، تطابق خواهد کرد؛ اما بنا بر پذیرش احتمال نخست در معنای آیه می‌توان گفت معنای تفسیری ارحام، همان خویشاوندان خود انسان است و تفسیر آن به خویشاوندان آل محمد (علیهم السلام) در روایات دسته دوم از باب جری و تطبیق یا بطن و تأویل است. بدین ترتیب، در هر دو صورت مشکل حدیث مورد بحث رضوی هم بنا بر احتمال نخست از باب تفسیر و بنا بر احتمال سوم از باب جری و تطبیق یا بطن و تأویل خواهد بود.

۳. نتیجه‌گیری

حاصل این پژوهش در زمینه بررسی محتوای حدیث تفسیری منقول از امام رضا علیه السلام در ذیل آیه نخست سوره نساء مبنی بر توسعه مفهومی خویشاوندی و صلۀ رحم به خویشاوندی و صلۀ رحم به رحم آل محمد علیهم السلام با آیات و روایات دیگر اهل بیت علیهم السلام، این است که مفاد روایت کاملاً مطابق با آیات و روایات مربوط به صلۀ رحم است. به این صورت که جمع بین آیات قرآن درباره صلۀ رحم و رعایت حقوق خویشاوندان از یک سو و روایات مربوط به صلۀ رحم که گسترۀ آن را به نزدیکان و اهل بیت و رحم آل محمد علیهم السلام، بر اساس روش تفسیری قرآن به قرآن و به‌ویژه تبیین روایت تفسیری اهل بیت علیهم السلام، اقتضا دارد که مفاد آیات قرآنی که درباره صلۀ به‌طور اطلاق و صلۀ رحم و خویشاوندان به‌خصوص است، در درجۀ اول رعایت حقوق اهل بیت علیهم السلام و در مرحلۀ بعد خویشاوندان خانوادگی است و این مسئله نه‌تنها با ظهور آیات قرآن که برخی اطلاق داشته و مقید به قید «خویشاوندان خانوادگی» نیستند و برخی دارای عموم بوده و تمامی مصادیق خویشاوند از جمله خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله را شامل می‌شوند، با ظهور آیات ولایت و نیز روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام که مبین تعمیم و بلکه اولویت شمول نزدیکان و اهل بیت و رحم آل محمد علیهم السلام هستند، سازگار است و این تعمیم در مواردی از باب تفسیر و در مواردی از باب جری و تطبیق آیات قرآن است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث والأثر*. چاپ چهارم. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه محمد بن علی. (۱۴۰۶ق). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*. چاپ دوم. قم: دار الشریف الرضی للنشر.
- _____ (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابی طالب علیهم السلام*. قم: علامه.
- ابن فارس، احمد بن فارس. (بی تا). *معجم مقاییس اللغة*. قم: منشورات مکتب التبلیغ الاسلامی التابع للحوزة العلمیة فی قم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۳۷۵). *لسان العرب*. چاپ سوم. بیروت: دار بیروت.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. (۱۳۷۴). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه بعثه.
- بیت عبید، وفا؛ انصاری مقدم، مجتبی؛ کریمی نیا، محمد مهدی. (۱۴۰۰). «نقش صلۀ رحم در سلامت جسمی و روحی خانواده با تمرکز بر گزاره‌های اسلامی». *پژوهش و مطالعات علوم اسلامی*. سال سوم. شماره ۲۷. صص: ۱۷-۳۱.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۳۶۶). *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیة قم.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (بی تا). *الصحاح*. بیروت: دار العلم للملایین.
- چاقری، فاطمه. (۱۳۹۵). «آیات الاحکام حقوق غیر مالی خویشاوند». *پژوهشنامه نوین فقهی حقوقی زنان و خانواده*. شماره ۳. صص: ۹-۴۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- حسکانی، عبید الله بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. تهران: مجمع احیاء الثقافة الإسلامیة التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی.
- حلّی، مقداد بن عبد الله سیوری. (۱۴۰۳ق). *نضد القواعد الفقهیة علی مذهب الإمامیة*. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۴ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دارالکتب العربیة.
- رشید رضا، محمد. (۱۴۱۴ق). *تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار*. بیروت: دار المعرفه.
- زبیدی، مرتضی محمد بن محمد. (بی تا). *تاج العروس*. بیروت: دارالهدایه.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*. چاپ سوم. بیروت: دار الکتب العربی.
- سعیدی، ابوجیب. (بی تا). *القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً*. چاپ دوم. دمشق: دار الفکر.
- سمیح الخالدي، محسن. (۲۰۰۳). «صلة الرحم المسلمة». *مجلة جامعة النجاح للأبحاث*. (العلوم الإنسانية). المجلد ۱۷ (۲)،

صص: ۴۴۳-۴۸۴.

- شعیری، محمد بن محمد. (بی تا). جامع الأخبار. نجف: مطبعة حیدریة.
- شهید اول، محمد بن مکی عاملی. (۱۴۰۰ق). القواعد و الفوائد. محقق و مصحح: سید عبد الهادی حکیم. قم: کتابفروشی مفید.
- شیرازی، میرزا محمد تقی. (۱۴۱۲ق). حاشیة المکاسب. قم: منشورات الشریف الرضی.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۸۵ق). مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار. چاپ دوم. نجف: المكتبة الحیدریة.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری). بیروت: دار المعرفه.
- طریحی، فخر الدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. چاپ سوم. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عسکری، حسن بن عبد الله. (بی تا). الفروق فی اللغة. بیروت: دارالافتاء الجدیدة.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی. تهران: المطبعة العلمیة.
- غباری بناب، باقر؛ فقیهی، علی نقی؛ قاسمی پور، یداله. (۱۳۸۶). «آثار صلہ رحم از دیدگاه اسلام و روان شناسی و کاربردهای تربیتی آن». تربیت اسلامی. سال ۳. شماره ۵. صص: ۸۱-۱۱۴.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فرات کوفی، فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات الکوفی. تهران: مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.
- فقیهی، علی نقی؛ سبحانی نژاد، مهدی؛ نجفی، حسن. (۱۳۹۲). «مبانی پرورش صلح رحم و نقش آن در سبک زندگی اسلامی». پژوهش نامه اخلاق. سال ششم. شماره ۲۲. صص: ۵۹-۸۲.
- فضل الله، محمد حسین. (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن. بیروت: دار الملائک.
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب. (بی تا). القاموس المحیط. بیروت: دار الفکر.
- فیروز مهر، محمد مهدی؛ میر عرب، فرج الله. (۱۳۹۹). «نقش صلہ رحم در پیشگیری از آسیب های وفاق اجتماعی از نگاه آیات و روایات». مطالعات اسلامی آسیب های اجتماعی. دوره ۲. شماره ۱ (۳). صص: ۲۳-۳۸.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. چاپ سوم. تهران: مکتبه الصدر.
- _____ . (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
- فیومی، احمد بن محمد. (بی تا). المصباح المنیر. چاپ دوم. قم: دار الهجره.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳۹). تفسیر القمی. چاپ سوم. قم: دار الکتب.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ق). الکافی. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- محمد جار النبی، سناء عبد الله. (۲۰۱۶). «صلة الأرحام فی ضوء القرآن الکریم». مجلة الدراسات الإسلامیة والبحوث الأكادیمیة. جامعة بیثة. المملكة العربیة السعودیة. المجلد ۱۱. العدد ۷۰. الرقم المسلسل للعدد ۷۰.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ . (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. چاپ دوم. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مراغی، احمد مصطفی. (بی تا). تفسیر المراغی. بیروت: دار الفکر.

-مشهدی قمی، محمد بن محمد رضا. (۱۳۶۸). تفسیرکنز الدقائق و بحر الغرائب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

-هوشیاری، جعفر؛ سید موسوی، سید علی؛ صفورایی پاریزی، محمد مهدی. (۱۳۹۷). «بررسی فقهی صلۀ رحم و تحلیل روان‌شناختی کارکردهای آن در آرامش روانی و تحکیم خانواده». پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده. سال ششم. شماره ۱۲. صص: ۱۲۹-۱۵۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Analysis of the Realm of Kinship in the Hadith Narrated by Imam Riḍā (as) in the Explanation of the First Verse of Surah Nisá

Kavous Rouhi Barandagh¹

Received: July 29 , 2022

Accepted: October 30 , 2022

Abstract

In many verses, the Holy Qur'an speaks widely and comprehensively about communication with relatives and taking care of people whom God has ordered to take care of them, and it also condemns cutting off contact with close relatives and not taking care of them. The issue of communication with relatives can be examined from different points of view, and the fundamental issue in this context is what is the extent of communication with relatives from the point of view of the Qur'an and hadith based on the hadith narrated by Imam Riḍā (as) under the first verse of Surah Nisá? And what people does its territory include? This research with a library method in collecting, and a descriptive-analytical method in data analysis and with the aim of proving the development in the field of communication with family relatives and the Prophet's progeny (pbuh), the extent of this communication in the hadith narrated by Imam Riḍā (as) has investigated in the interpretation of the first verse of Surah Nisá. And it has come to the conclusion that the contents of the Qur'anic verses related to the relationship with relatives specifically, and the necessity of this relationship in a special way, as well as the commentary traditions transmitted from the Ahl al-Bayt (as) with emphasis on the hadith narrated from Imam Riḍā (as) in according to the first verse of Surah Nisá, in addition to the relationship with family relatives, it also includes respecting the rights of Ahl al-Bayt (as), and this generalization in some cases is about interpretation and in some cases it is about matching the verses of the Qur'an with specific titles and topics.

Keywords: The Realm of Kinship, Relationship with Relatives, the Interpretative Hadiths of Imam Riḍā (as).

1. Associate Professor, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Tarbiat Modares University: k.roohi@modares.ac.ir